

# سینمای جهان

به همت: حامد مظفری  
با همکاری: مهسا پور بختیار، نادیا زکالوند

## نقد نقد

آیا می‌توان برای پیدایش نقد زمانی تعیین کرد؟ نقد در حوزه‌ی اندیشه همیشه وجود داشته است اما نقد به عنوان معیاری جهت سنجش کلیه‌ی حوزه‌های فکری و عملی چیزی کاملاً نو است، به این معنا که در دوران مدرن بوده که نقد از حوزه‌ی محدود هنری خارج شده و تمام حوزه‌های اندیشه و عمل انسانی را فرا گرفته است! بر همین مبنا، نقد هنری و آن چه که در این جا مد نظر است - نقد سینمایی - در شکل مطلوبش باید بتواند نه تنها یک فیلم یا اثر سینمایی که تمامی حوزه‌هایی که به نحوی با آن اثر مرتبط هستند را مورد بررسی قرار دهد و در این هنگام است که نقد می‌تواند یک نوع آفرینش هنری هم تلقی شود. بر این اساس منتقدان وظیفه‌ی مهمی در سینما به عهده دارند و وظیفه‌شان بیش از خالقان آثار سینمایی است و طبیعی است که می‌توانند با آگاهی بخشی و نقش روشنفکرانه‌ی خود باعث ارتقای سطح سلیق عمومی و جهت‌دهی آن‌ها شوند، اما نکته‌ی که طی سالیان اخیر توسط اکثر کارشناسان سینمایی مورد تأکید قرار گرفته این بوده که نقد و نوشتار سینمایی به جایی رسیده که خودش هم نیاز به آسیب‌شناسی دارد و به این ترتیب منتقدان و نویسندگان سینمایی باید با خودشناسی و درک جایگاه تأثیرگذار خود به نقد چشم‌انداز نقد در سینما بپردازند.

- ❖ گفت‌وگویی متفاوت و خواندنی با راجر ابرت منتقد سینما
- ❖ گفت‌وگو با جیمز براردینلی منتقد سینما
- ❖ بهترین فیلم‌های سال ۲۰۰۸ از نگاه راجر ابرت
- ❖ فیزیک در سینما ۱۲: جنگ ستارگان





اگر از علاقه‌مندان سینما باشید، احتمالاً نام «راجر ابرت» را شنیده‌اید یا در مجلات سینمایی خوانده‌اید که بارها سایر منتقدان به نقدهایش استناد کرده و در بسیاری موارد نوشته‌های وی مرجعی برای تحلیلگران سینمایی به شمار می‌رود. حدود چهل سال از زمانی که ابرت نقد فیلم را در شیکاگو سان تایمز شروع کرده می‌گذرد و این در حالی است که وقتی کارش را در این نشریه شروع کرد به هیچ وجه گمان نمی‌کرد برای چنین مدت طولانی بی‌مشغول به این کار شود. راجر ابرت ۶۶ ساله که غالباً به عنوان بهترین منتقد فیلم شناخته می‌شود از سال ۲۰۰۲ با بیماری سرطان تیروئید و از سال ۲۰۰۳ با سرطان غدد بزاقی دست و پنجه نرم می‌کند. هم‌چنین به خاطر تراکئوستومی (ایجاد شکافی در

نای برای امکان ساختن تنفس) وضعیت صدایش هم در حال حاضر چندان خوب نیست. راجر جوزف ابرت متولد سال ۱۹۴۲ است. وی از سال ۱۹۶۲ به صورت ثابت و پیوسته ستون نقد فیلمی در شیکاگو سان تایمز داشته و یک برنامه‌ی هفتگی نقد فیلم هم دارد. نقدهای راجر ابرت در بیش از ۲۰۰ روزنامه در داخل و خارج آمریکا منعکس می‌شود. در سال ۱۹۷۵ وی نخستین منتقد فیلمی بود که توانست جایزه‌ی پولیتزر را تصاحب کند. راجر ابرت از متقدانی است که نوشته‌های کوتاهش را هر هفته اکثر علاقه‌مندان سینما می‌خوانند. ابرت به گفته‌ی خودش اصولاً فیلم‌ها را نقد نمی‌کند، بلکه فقط نظر می‌دهد که فیلم خوب است یا بد و بر همین مبنا به کسانی که فیلم را ندیده‌اند پیشنهاد می‌کند که آن را ببینند یا نه! یکی از دلایل شهرت ابرت این بوده که خیلی ساده و روان حرف زده و در نوشته‌هایش به‌مانند یک مخاطب معمولی به جنبه‌های مختلف مثبت یا منفی فیلم اشاره می‌کند. ابرت به فیلم‌هایی که از نظر وی خوب هستند ستاره می‌دهد اما خیلی به ندرت پیش می‌آید که به فیلمی ستاره بدهد. جالب این جاست که طی سال‌های اخیر این موضوع اثبات شده که وی عموماً به فیلم‌هایی ستاره می‌دهد که همگان از آن فیلم‌ها انتقاد کرده‌اند؛ برای مثال یکی از فیلم‌هایی که ابرت به آن ستاره داده، «مخمل آبی» ساخته‌ی «دیوید لینچ» بوده که نسبت به کارهای دیگر لینچ اثر متوسطی محسوب می‌شود!

مهسا پوربختیار

گفت‌وگویی متفاوت و خواندنی با راجر ابرت، منتقد درجه یک سینما

## توجه بیش از حد به گیشه اصلی‌ترین معضل سینمای روزگار ماست!

به مخاطبان پیشنهاد می‌کنم که اندکی بیش از فیلم‌های دیگر آن‌ها را سرگرم کنند!

در برخی موارد مشاهده شده که شما کاملاً برخلاف نظر دیگر منتقدان به تفسیر یک فیلم می‌پردازید!

اساس نقد همین است، یعنی هر کس باید فقط نکاتی را که به چشمش خورده تفسیر کند. در این حیطه جایی برای کپی‌کاری وجود ندارد و به این ترتیب شک نداشته باشید که تا زمانی که نظرات‌تان را خالصانه ارایه نکنید، تبدیل به یک منتقد حرفه‌ی نخواهید شد!

فکر می‌کنید دلیل اصلی رفتار آن دسته از افرادی که در نوشتن نقد بر یک فیلم همواره ابتدا منتظر اظهار نظر بزرگان عرصه‌ی نقد مانده و سپس به نگارش نقد می‌پردازند چه می‌تواند باشد؟

ببینید، توجه به گفتار پیشکسوتان دو حالت می‌تواند داشته باشد: اول این که شما به این گفته‌ها تنها برای آگاه شدن از یک نظر خاص نگاه کرده و هیچ‌گونه گرت‌برداری از آن‌ها نداشته باشید، دوم این که شما بر اساس نظرات سایر منتقدان به تشریح فیلم

به عنوان کسی که بخش عمده‌ی عمرش را صرف نوشتن یادداشت‌ها و نقدهای سینمایی کرده، اصلی‌ترین هدف نقدنویسی را چه می‌دانید؟

فکر می‌کنم هدف اولیه و اصلی نقدنویسی آگاه کردن مخاطبان از فیلم‌ها بوده، یعنی در ابتدا هیچ کس قصد این را نداشته که مثلاً جهت آگاهی فیلمساز از فیلمش به بررسی آن فیلم بپردازد. در حال حاضر هم اغلب منتقدان بی‌غرض، همین هدف را در نقدنویسی مد نظر دارند.

خودتان به چه منظوری به این حیطه وارد شدید؟

من در ابتدای حضورم در این عرصه تنها می‌خواستم پاره‌ی از نظراتم را به گوش مخاطبان برسانم و به این حرفه به عنوان یک شغل نگاه نمی‌کردم.

آیا هنوز هم همین‌طور فکر می‌کنید؟

بله. برای من سینما هنوز هم همان ماهیت سرگرم‌کننده‌ی اواسط قرن بیستم را با خود دارد البته با این تفاوت که موارد سرگرم‌کنندگی کمی سطحی‌تر از قبل شده‌اند. در این میان من صرفاً فیلم‌هایی را



سینمایی استفاده کنند، اما ای کاش‌ها آن شرایطی را برای آموزش این گروه از جوانان هم فراهم می‌کردند!  
به عنوان یک منتقد تراز اول، اصلی‌ترین معضل سینمای قرن جدید را چه می‌بینید؟

توجه بیش از حد به گیشه، اصلی‌ترین ضعف سینمای قرن بیست‌ویکم است. در واقع سینماگران به مفاهیمی که توسط فیلم‌هایشان بیان می‌شود توجه چندانی نکرده و همه چیز را در میزان فروش فیلم‌هایشان خلاصه کرده‌اند.  
شاید هم همین توجه به سینما به عنوان راهکاری جهت کسب درآمد بوده که موجب شده کم‌تر شاهکار خارق‌العاده‌یی خلق شود!؟

ببینید، شاهکار خلق نمی‌شود مگر آن که تمام عوامل درگیر کار، در نوع خود شاهکار باشند! یعنی این فیلمساز خوب است که در کنار فیلمنامه‌نویس خوب و بازیگران خوب خواهد توانست یک فیلم خوب بیافریند. تنها کافی است یکی از عوامل درگیر فیلم در حد شایسته‌ی خود ظاهر نشود تا با یک فیلم متوسط یا حتی ضعیف روبه‌رو شویم.  
در بهبود این وضعیت، منتقدان چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

همین که یک منتقد با صداقت تمام و بدون غرض یک اثر را مورد کنکاش قرار داده و واقعیات را به درستی بنمایاند، کافی است!

البته اگر دست‌اندرکاران سینما هم به نظرات منتقدان توجه نشان دهند!؟

بله، متأسفانه امروزه در ساخت بعضی از فیلم‌ها اصلاً به نظرات منتقدان توجهی نشده و همان‌طور که گفتم درآمدزایی عامل اصلی این موضوع است!

عموماً در ساخت کدام دسته از فیلم‌ها به نظرات منتقدان توجهی نمی‌شود؟

فیلم‌هایی که تحت عنوان بازسازی آثار موفق ساخته می‌شوند و همچنین فیلم‌هایی که صرفاً به جلوه‌های ویژه تکیه کرده و حتی یک خط داستانی ساده هم ندارند! ■

بپردازید! حالت دوم است که به تکرار منتهی شده و نه سودی را عاید نویسنده‌ی نقد می‌کند و نه سودی برای خواننده‌ی نقد دارد!  
منتقدان در بالا بردن کیفیت کار یک فیلمساز چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

فکر می‌کنم تنها در اثر آشنایی با دیدگاه‌های مختلف و البته اصولی است که یک کارگردان خواهد توانست کیفیت کاری خود را به مرور بالا ببرد. توجه داشته باشید که انسان‌های مختلف، دیدگاه‌های مختلفی دارند و بارها شده که حتی بزرگ‌ترین کارگردانان هم نکاتی را فراموش کرده‌اند که به اعتقاد گروهی از منتقدان رعایت این نکات کاملاً بدیهی بوده است!  
آیا می‌توانید در این باره مثالی هم ارایه کنید؟

بله، «مارتین اسکورسیزی» یکی از توانمندترین کارگردانان روزگار ماست اما همین فیلمساز در اثری مانند «مردگان» در قسمت‌های میانی فیلم، پرداخت داستانی خوبی را ارایه نکرده که دلیل اصلی این امر تکیه‌ی بیش از حدش بر بُعد اکشن داستان است. این نکته‌ی بود که در زمان اکران فیلم از سوی بسیاری از منتقدان مطرح شد و مورد تأیید خود اسکورسیزی هم قرار گرفت!  
به جز بیان دیدگاه به صریح‌ترین شکل ممکن و البته بدون تأثیرپذیری از دیگران، یک منتقد حرفه‌یی چه ویژگی‌های دیگری باید داشته باشد؟

منتقد باید سینما را خیلی خوب شناخته و با تمام ابزار موجود در این صنعت هم آشنایی کامل داشته باشد، چرا که در بسیاری موارد نوشته‌های منتقدان به عنوان مرجعی جهت فعالیت‌های تحقیقی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در یکی از کتاب‌های مربوط به فن نقد آمده است که: «اصلی‌ترین ویژگی یک منتقد خوب، قدرت نگارش اوست»؛ تا چه حد با این نظر موافق هستید؟

به شدت این مسئله را تأیید می‌کنم. یک منتقد خوب حتماً یک نویسنده‌ی خوب هم است اما به این نکته هم توجه کنید که خلاف این مسئله اثبات نشده، به این معنا که هر کس که قدرت نویسندگی بالایی دارد نمی‌تواند و نباید به عنوان یک منتقد خوب شناخته شود!

با این حساب بسیاری از یادداشتهای سینمایی که این روزها در مجلات و روزنامه‌های مختلف چاپ می‌شوند ویژگی‌های یک نقد خوب را ندارند!

من فکر می‌کنم وسعت فیلمسازی در هالیوود سبب شده که در کنار صنعت فیلمسازی، صنعت نقدنویسی هم پدید آید، یعنی گروهی از جوانان علاقه‌مند به سینما توانسته‌اند به مطبوعات روی آورده و با ارایه‌ی مطالب خود تحت عنوان نقد شهرت نصفه‌نیمه‌یی هم کسب کنند! حتی بسیاری از فارغ‌التحصیلان مدارس سینمایی که در سینما جایی برای عرض اندام پیدا نکرده‌اند هم به مطبوعات روی آورده‌اند!

به نکته‌ی خوبی اشاره کردید. در سالیان اخیر، مطبوعات و به‌ویژه آن دسته از مطبوعاتی که رویدادهای سینمایی را به صورتی کاملاً تخصصی پی می‌گیرند به دلیل کمبود نیروی منتقد درجه یک مجبور شده‌اند از گروهی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های سینمایی که احیاناً دست به قلم خوبی هم دارند برای نوشتن یادداشتهای